

قیام کانتون

ملاحظات کلی

در اهمیت تاریخی جهانی قیام کانتون هیچ تردیدی نیست، و آنچنان شناخته شده است که به اثبات نیاز ندارد. کنگره ششم جهانی انترناسیونال کمونیستی از این قیام چنین سخن می گوید: «شورش کانتون یک اقدام قهرمانانه **عقب دار** پرولتاریای چین در دوره پیش از انقلاب بود، و با وجود اشتباهات بزرگی که رهبران آن در جریان شورش مرتکب شدند، مشخص کننده آغاز مرحله جدید انقلاب شوروی است»^۱.

«کارگران، قیام کانتون را بمثابة نمونه قهرمانی عظیم کارگران چین تصویر می کنند»^۲. پیش از آن، یعنی در جریان قیامهای شانگهای و بطور کلی در جریان کلی مبارزه انقلابی پیش از شورش کانتون، پرولتاریای چین با بورژوازی ملی رادیکال متحد شده بود. پیشاهنگ آن، حزب کمونیست، در طول این دوره، اتحادی را با کومین تانگ تشکیل داده بود - که در آن زمان بیان سیاسی بلوک چهار نیرو بود: پرولتاریا، بورژوازی، دهقانان و زحمتکشان شهری. اما در قیام کانتون، پرولتاریای چین برای اولین بار خود را بمثابة یک طبقه اساساً مستقل عرضه کرد، که علیه بورژوازی، حکام نظامی یا دار و دسته‌های فئودالی و علیه امپریالیسم خارجی مبارزه می کرد؛ برای دیکتاتوری انقلابی و دمکراتیک پرولتاریا و دهقانان یعنی برای قدرت شوروی می رزمید. پرولتاریای کانتون، تحت رهبری حزب کمونیست چین، در تصرف قدرت، در شهری با جمعیتی بیش از یک میلیون نفر و در حفظ این قدرت به مدت پنجاه و هشت ساعت موفق شد. با چنین کاری پرولتاریای چین به تمامی جهان نشان داد که کاملاً از خویشتن به عنوان یک طبقه آگاهی یافته، خود را از نظر سیاسی سازمان داده و به طبقه‌ای مستقل بدل شده که قادر است به عنوان نیروی رهبری کننده و هدایت کننده انقلاب چین عمل کند. بالاخره، پرولتاریای چین نشان داد که جریان بعدی انقلاب کبیر چین تحت هژمونی پرولتاریا صورت خواهد گرفت.

رویدادهای انقلابی که به دنبال قیام کانتون در چین صورت گرفتند، درستی این بیان را تأیید می کنند. بورژوازی چین، حتی پیش از انقلاب، دیگر یک نیروی انقلابی نبود، و مشخصاً به اردوگاه ضدانقلاب پیوسته بود. بورژوازی در کنار فئودالها، دار و دسته حکام نظامی و امپریالیسم خارجی، به مبارزه‌ای وحشیانه علیه پرولتاریا و متحدینش، دهقانان و زحمتکشان شهری مبادرت ورزید. پس از قیام کانتون، این یورش توسط نیروهای ارتجاعی علیه انقلاب افزایش یافت. تنها نیرویی که قادر است مبارزه انقلابی طبقات زحمتکش چین را رهبری کند پرولتاریاست.

۱- ترها و قطعنامه‌های کنگره ششم جهانی انترناسیونال کمونیستی، «وضعیت بین المللی و وظایف انترناسیونال کمونیستی»، بخش ۵۴.

۲- «مانیفست درباره انقلاب چین»، رأی گیری شده در نشست افتتاحیه کنگره ششم جهانی انترناسیونال کمونیستی.

قصد ما در اینجا اینست که وضعیت را در چین (و به ویژه در ایالت کوانگ تونگ) که زمینه این مبارزه را تشکیل می دهد، توصیف نموده و به تجزیه و تحلیل دلایل شکست آن پردازیم. تنها پرولتاریای چین نیست که از درسهای قیام چین سود می برد. جنبه‌های مثبت آن، همچون اشتباهات، باید به وسیله پرولتاریای جهانی مورد ارزیابی قرار گیرند؛ زیرا تجربه کانتون یکی از گران بهاترین درسهای مبارزه انقلابی بین المللی در سالهای اخیر است.

وضعیت چین

در پائیز ۱۹۲۷ وضعیت عمومی چین^۳، به ویژه در مرکز و جنوب، با خصوصیات زیر مشخص می شد:

(الف) بورژوازی ملی روز به روز بیشتر از انقلاب دمکراتیک ملی روی گردان شده و به اردوگاه ضدانقلاب میلیتاریستی و امپریالیستی می پیوست. تمامی نیروهای ضدانقلاب در مبارزه‌ای سخت علیه جناح انقلابی پرولتاریا و علیه توده دهقانان درگیر بودند: انحلال سازمانهای دهقانی و اتحادیه‌های کارگری، سرکوب وحشیانه جنبشهای انقلابی، نابودی کادرهای انقلابی طبقه کارگر و غیره.

(ب) بحران عمیقی در هر زمینه زندگی اقتصادی آشکار می شد: خرابی مداوم امور مالی، تجارت، صنعت و حمل و نقل؛ بحران به ابعاد فاجعه آمیزی نزدیک می شد.

(ج) نیروهای ضدانقلاب نشان می دادند که توانایی ایجاد ثبات یا رسیدن به وحدت در اردوگاه خویش را ندارند، تقسیم چین بین گروه‌بندی های سیاسی متخاصم و متعدد، در حالی از جنگ بین آنها، به سطح بی سابقه‌ای رسیده بود.^۴

(د) یک جنبش انقلابی قدرتمند در حال رشد بود که خود را در عملیات اعتصابی در مراکز صنعتی (شانگهای، کانتون، هانکو و غیره) نشان می داد؛ در جنبش انقلابی رو به رشد دهقانان که در ایالات هونان، هوپه، کیانگ سی و کوانگ تونگ شکل یک جنگ داخلی واقعی را در مناطق روستایی علیه زمینداران بزرگ و کولاکها به خود گرفت؛ در قیام ارتشهای یه تینگ و هولونگ در ۳۰ ژوئیه [۱۹۲۷] در نانچانگ؛ در استقرار قدرت شوروی در هایفنگ و لوفنگ و غیره.

در عین حال دوره پیش از قیام کانتون، با سطح نازل فعالیت از طرف حزب کمونیست مشخص می شد. حزب بطور کلی نشان داد که توانایی سازماندهی جنبش انقلابی توده‌ها یا رهبری

۳- به استثناء منچوری. وضعیت سیاسی و اقتصادی این ایالت، یک نیمه مستعمره امپریالیسم ژاپن، همیشه از بقیه سرزمین چین بسیار متفاوت بوده است.

۴- گروه‌بندی های سیاسی عمده رقیب به شرح زیر بودند: چانگ تسو - لین در منچوری، مغولستان داخلی و چیلی، چانگ تسونگ - چانگ در شانتونگ، بین هسی - شان در شانسی، یانگ سن در سچوان و هوپه، گروه کوانگ تونگ (چیانگ کای چک) در ایالات کیانگ سو، چکیانگ، فوکین و در بخشی از ایالت کیانگ سی، گروه کوانگ سی به رهبری پای چونگ - هسی حاکم نظامی کوانگ سی درخیم کشتار ۱۲ آوریل در شانگهای و دار و دسته‌اش در ایالات کوانگ سی، کویچو، هونان و بخشی از کوانگ تونگ، ژنرالهای گروه هونان به رهبری تان یین - کای در ایالات هونان، گروه چانگ فا - کوی و وانگ چینگ - وی در کوان تونگ. علاوه بر این گروه‌بندی های اصلی که بیانگر نیروی نظامی و سیاسی مهمی بودند، در سراسر ایالات دار و دسته‌های کوچکی بودند که نیروهای کوچکی را در اختیار داشتند، مثل ژنرالهای یونان، آن هوی و غیره.

سیاسی دادن به آن را ندارد. حزب هنوز کاملاً خود را از توهّمات مربوط به جناح «چپ» کومین تانگ آزاد نکرده بود و در ارتکاب اشتباهات جدی اپورتونیستی به ویژه در مشی روستایی و نظامی مقصر بود. علاوه بر این، فعالیت نیروهای ضدانقلاب؛ ترور وحشیانه‌ای که علیه حزب کمونیست بکار گرفتند؛ فقدان هر گونه تماس نزدیک (مکانی و زمانی) بین جبهه‌های عمده انقلاب؛ مبارزه طبقة کارگر، قیامهای دهقانی و ترمدهای فراوان در بین سربازان^۵، تمامی این عوامل نمی توانست بر توسعه انقلاب تأثیری منفی نداشته باشد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در نشست عمومی اکتبر ۱۹۲۷ وضعیت مشخص کشور را مورد بررسی قرار داد. نظر حزب آن بود که، علیرغم شکستهای متعدد (شانگهای - درهم شکستن جنبش کارگران در آوریل؛ و وهان - خلع سلاح کارگران و غیره؛ سواتو - شکست ارتش یه تینگ و هولونگ و غیره)، وضعیت در چین انقلابی باقی مانده و شعار قیام هنوز مناسب است.

وضعیت در کوانگ تونگ

عوامل ضروری مشخص کننده وضعیت در کانتون و ایالت کوانگ تونگ بلافاصله پیش از قیام به شرح زیر بودند:

الف) در ۱۷ نوامبر، ژنرال چانگ فاکوی - که محرک وی ژنرال وانگ چینگ وی، رهبر جناح «چپ» کومین تانگ بود و بر بخشی از بورژوازی کوانگ تونگ تکیه داشت - به کودتایی در کانتون دست زد و لی چی شن ایدئولوگ بورژوازی کمپرادور را که در یک کودتای ضدانقلابی در ۱۵ آوریل ۱۹۲۷ قدرت را به دست گرفته بود، بیرون راند.

چانگ فاکوی و وانگ چینگ وی، هر چند که می خواستند با دروغ و فریب حمایت توده‌ها را جلب کنند، اما در واقع به جنگی بی رحمانه علیه کارگران انقلابی، علیه جنبش دهقانی و بالاتر از همه علیه حزب کمونیست که اجباراً زیرزمینی شده بود دست زدند. در این رابطه، اعضای جناح «چپ» کومین تانگ تفاوتی با لی چی شن کاملاً ارتجاعی نداشتند. حکومت وانگ چینگ وی و چانگ فاکوی، به محض استقرار، تمامی دستاوردهای اعتصابات هنگ کنگ را لغو کرد (آنها را از خانه‌های کارگری که کارفرمایان مجبور به دادن آنها شده بودند بیرون راند؛ رستورانهای مردمی را بست؛ اعتصابیون را از کانتون بیرون کرد و ...) او به دستگیری وسیع کارگران پرداخت، اتحادیه‌های کارگری انقلابی را منحل و ساختمانهای آنها را تصرف کرد، پوسترهایی مبنی بر نابودی کمونیستها به در و دیوار چسباند، و حتی از سازمانهای بورژوایی که تحریم کالاهای انگلیسی و ژاپنی را خواستار بودند حمایت کرد.

ب) بلافاصله بعد از کودتای ۱۷ نوامبر، جنگ در ایالت کوانگ تونگ بین دو گروهبندی نظامی - گروه چانگ فاکوی و گروه لی چی شن متحد ژنرال لی فولین - درگرفت. از آنجا که لی چی شن به هر تلاشی برای اجتناب از درگیری قطعی دست زد، جنگ شکل نبردهای وسیع را به خود نگرفت. لی چی شن نیروهایش را در جهات گوناگون رهبری کرد، و نیروهای چانگ فاکوی آنها را تعقیب می کردند. معهدا، تغییر حکومت و این جنگ «بدون خونریزی»

۵- این سه جبهه انقلابی بطور مجزا به وجود آمدند و هیچ هماهنگی مکانی و زمانی نداشتند. ارتشهای شورشی نانچانگ نتوانستند بر جنبش دهقانی در مناطق تحت نفوذشان مسلط شوند. شورشهای دهقانان با مبارزه انقلابی کارگران در شهرها هماهنگ نبودند.

طبقات حاکم را شدیداً تضعیف نمود؛ پراکندگی شان را تشدید کرد، رهبران سیاسی کومین تانگ و خود کومین تانگ را بی اعتبار کرد و از هم پاشیدگی اقتصادی ایالت و شهر کانتون را تشدید نمود.

ج) پس از عزیمت نیروهای لی چی شن و نیروهای چانگ فاکوی به دنبال آنها، کانتون به تدریج خود را از نیروهای حکومتی آزاد کرد. نیروهای حکومتی مرتباً به جبهه اعزام می شدند، با این هدف که نیروی بزرگی در آنجا برای وارد آوردن ضربه نهایی به نیروی عقب نشسته لی چی شن متمرکز گردد.

در لحظه قیام، واحدهای زیر از ارتش چانگ فاکوی در کانتون حضور داشتند: هنگ آموزشی، یک هنگ پیاده، یک هنگ توپخانه، یک هنگ که وظایف گارد را انجام می داد و تعداد اندکی واحدهای کوچکتر. این نیروها نیروی نظامی جدی نبودند، زیرا با برنامه‌های تبلیغ و ترویج حزب کمونیست تا حد وسیعی از ارتش روی گردان شده بودند. مثلاً بیش از ۲۰۰ سلول قوی مخفی از کمونیستها و کمونیستهای جوان در هنگ آموزشی وجود داشت. در دیگر واحدها، سلولها از نظر عددی ضعیف بودند، اما علیرغم این، شور انقلابی تعداد بسیار زیادی از سربازان را تحت تأثیر قرار داده بود.

صرف نظر از نیروهای چانگ فاکوی در کانتون که وسیعاً توسط حزب کمونیست، انقلابی شده بودند، دو هنگ لی فولین در جزیره هونام وجود داشت. حزب برای روی گردان آنها از ارتش یا تسخیر سیاسی آنها هیچ کاری انجام نداده بود، بنابراین آنها نیروی قابل اعتمادی در دست فرمانده ارتجاعی بودند.

در اطراف کانتون، در ایالت کوانگ تونگ، حدود ۵۰۰۰۰ سرباز ارتجاعی در ارتشهای لی چی شن و چانگ فاکوی وجود داشت. سربازان این هنگها از شعارهای کومین تانگ پیروی می کردند. شعارهای حزب کمونیست برای اکثر آنها ناشناخته بود، و حتی اگر ایده‌هایی هم از آنها داشتند، هیچ تمایزی بین آنها و شعارهای کومین تانگ نمی گذاشتند. این سربازان در اختیار فرمانده ارتجاعی بودند و بدون چون و چرا دستورات وی را اجرا می کردند. حزب بخاطر فقدان نیرو و منابع هیچ کاری در میان آنها نکرده بود.

د) شور انقلابی در میان طبقات تحت ستم، بخاطر بدتر شدن دائمی وضعیت اقتصادی و ترور ژنرالهای کومین تانگ، هنوز در حال گسترش بود. گروهبندی توده‌های طبقه کارگر کانتون حول فدراسیون سرخ غیرقانونی اتحادیه کارگری و بر گرد سازمان کمونیستی شهر با گامهای سریع به پیش می رفت. جلسات مخفیانه نمایندگان اتحادیه کارگری و کنفرانسهای مخفیانه نمایندگان حزب کمونیست مرتباً و با علاقه روزافزون تشکیل می شد. قبلاً در سپتامبر وضعیت آنچنان بود که وقتی ارتش یه تینگ و هولونگ به سواتو نزدیک شدند، کمیته ایالتی کوانگ تونگ تصمیم به تدارک بلافاصله قیام در کانتون گرفت. درست است که شکست نیروهای نانچانگ در خارج از سواتو در وهله اول تأثیر زیادی بر فعالیت انقلابی در کانتون گذاشت، اما شور و شوق طبقه کارگر با این شکست فرو ننشست و حزب کمونیست علیرغم این شکست و ترور وحشیانه‌ای که به دنبال آن آمد، به آماده کردن فعال توده‌ها برای نبرد قطعی ادامه داد. در عین حال، به تمامی اقدامات تکنیکی و تشکیلاتی برای تضمین موفقیت قیام اقدام نمود.

۶- حضور این همه سلول در هنگ آموزشی بدین خاطر بود که این هنگ تعداد زیادی دانشجوی آکادمی وامپوا داشت و نیز بدین علت که برای مدتی طولانی یک فرمانده کمونیست داشت (هر چند که در واقع وی پیش از قیام از سمت خویش برکنار شده بود).

در ۱۴ اکتبر، در ارتباط با اعتصاب ملوانان، جنبش شکل یک شورش اصیل خودبخودی را گرفت. در این روز، تظاهرات عظیم توده‌ای در سراسر شهر برپا شد. چندین هزار تظاهرکننده به ساختمانهایی که قبلاً توسط واحدهای سرخ اشغال شده بودند سرازیر شدند، پلیسها را بیرون انداختند و چندین عامل دولتی را کشتند. پس از این واقعه، ترور دو برابر شده، بخشی از اعضای کمیته ایالتی کوانگ تونگ تصور کردند موقعیت برای اقدام بلافاصله به قیام آماده شده است. اما، اکثریت تصمیم گرفت که بیشتر صبر کند؛ آنها اعضای حزب را به ادامه بسیج توده‌ها، تأکید بر ارتباط بین خواستهای اقتصادی و سیاسی، و تبلیغ به نفع قیام دعوت کردند. جناح انقلابی پرولتاریای کانتون در ۷ نوامبر تظاهرات عظیمی به راه انداخت که به وسیله پلیس پراکنده شد. باید توجه کرد که برخی اعضای کمیته ایالتی کوانگ تونگ یکبار دیگر در طول این روز دعوت به قیام کردند. اما موازنه نیروها، به اعتقاد دیگر رفقای بالای کمیته هنوز به حد کافی مساعد نبود و قیام به تعویق افتاد.

در طول اولین روزهای دسامبر، جنبش انقلابی در کانتون به رشد خویش ادامه داد. یکبار دیگر ملوانان دست به اعتصاب زدند؛ رانندگان اتوبوس و تعدادی از کارگران کارخانجات و اداره پست نیز به آنها پیوستند. طغیان بسیار نیرومند مبارزه طبقاتی پرولتاریا پس از کودتای چانگ فاکوی خود را در تظاهرات جدید، در جریان وسیع انتشارات مخفی کمونیستی، در آزاد کردن کمونیستهای زندانی توسط جمعیت و غیره نشان داد.

ه) اما علاوه بر واحدهای سرخ، تعداد زیادی اتحادیه کارگری در کانتون وجود داشت که اداره شان در دست حامیان ارتجاعی کومین تانگ قرار داشت. این اتحادیه‌ها، که دهها هزار کارگر را دربر می گرفتند، حول اتحادیه ارتجاعی مهندسی گرد آمده بودند. این اتحادیه از اقدامات ضدانقلابی حکومت در سراسر دوره ارتجاع پشتیبانی کرده بود و کمک فعالی به نیروهای حکومتی برای سرکوب قیام داده بود. این شرایط، یعنی حضور این تعداد زیاد از اعضای اتحادیه‌های ارتجاعی (که تعدادشان از حامیان فعال اتحادیه‌های سرخ بیشتر بود)، مشکل اصلی قیام را تشکیل می داد؛ تدارک آن را تا حد زیادی فلج کرد و تأثیری منفی بر نتیجه آن داشت. نفوذ حزب کمونیست در این اتحادیه‌ها بسیار جزئی بود.

خرده بورژوازی بطور کلی هنوز خود را از توهمات خویش نسبت به جناح «چپ» کومین تانگ آزاد نکرده بود و هنوز انتظار بهبودی را در وضعیت فلاکت بار خویش از سوی چانگ فاکوی داشت.

و) در ایالت کوانگ تونگ، جنبش انقلابی دهقانان خود را با استقرار قدرت شوروی و به عمل درآوردن شعارهای انقلاب ارضی در شش منطقه اطراف هایفنگ و لوفنگ (در ۲۵۰ کیلومتری شرق کانتون) نشان داد. در هایفنگ کنگره نمایندگان کارگران، سربازان و دهقانان که در ۷ نوامبر با حضور ۳۰۰ نماینده و بیش از ۱۰۰۰۰ نفر از مردم گشایش یافت، یک حکومت شوروی در تمامی مناطق شورشی کوانگ تونگ برقرار کرد. در اوایل دسامبر قدرت منطقه شوروی به قلمرویی با بیش از نیم میلیون جمعیت بسط یافت. حکومت توسط یکی از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست رهبری می شد. در جزیره هاینان نیز یک جنبش نیرومند دهقانی وجود داشت.

متأسفانه در لحظه قیام کانتون، جنبش انقلابی در مناطق نزدیک شهر فوق العاده ضعیف بود. حزب نمی توانست کار ترویجی لازم را در مناطق روستایی اطراف کانتون انجام دهد. اشتباهات قدیمی حزب در زمینه ارضی اکنون خود را قویاً نشان می دادند.

تدارک فوری قیام

کمیته ایالتی کوانگ تونگ حزب کمونیست در نشست ۲۶ نوامبر خود تصمیم گرفت خود را قاطعانه به سمت تدارک فوری قیام جهت دهد. اعتقاد عمیقاً بر این بود که تمامی شرایط برای پیروزی وجود دارد، و تصور می رفت که موفقیت با توجه به تدارک خوب تکنیکی و سیاسی قطعی باشد.

در دوره بین ۳۰ نوامبر و آغاز قیام، سازمان کمونیستی وسیعاً برای بسیج توده‌ها جهت قیام کار کرد. سازمان همچنین بر روی یک برنامه عمومی سیاسی کار کرد، نقشه‌های نظامی طرح کرد و بر روی سازمان آینده کانتون شوروی فکر کرد.

حزب برنامه ترویجی خود را در میان توده‌ها با شعارهای زیر انجام داد: «مرگ بر چانگ فاکوی و وانگ چینگ وی!»، «مرگ بر کومین تانگ!»، «آزادی دمکراتیک کامل مطبوعات، سخنرانیها، اجتماعات، اتحادیه‌ها و حق اعتصاب»، «نابودی محرکین چانگ فاکوی»، «اسلحه برای کارگران و دهقانان»، «آزادی فوری تمامی زندانیان سیاسی»، «برقراری مجدد کمک دولتی به اعتصابیون هنگ کنگ»، «پرداخت حق بیکاری کامل»، «دستمزد بیشتر و کنترل تولید توسط کارگران»، «سلب مالکیت بورژوازی بزرگ»، «بهبود شرایط مادی و حقوقی دهقانان»، «ایجاد کمیته‌های انقلابی سربازان»، «تصفیه تمامی افرادی که در ترور کومین تانگ شرکت داشتند»، «تمامی زمینها در دست دهقانان، برنج برای کارگران»، «مرگ بر جنگهای میلیتاریستی!»، «تمامی قدرت به دست شوراهای».

برای اقدامات تشکیلاتی در جهت تدارک قیام، پس از ۲۶ نوامبر حزب یک کمیته انقلابی نظامی به وجود آورد که رهبری کلی را در اختیار گیرد و همچنین یک فرماندهی گارد سرخ که رهبری تکنیکی را برای خود قیام در دست گیرد. حزب جزء به جزء بر روی نقشه شورش کار کرد. بسیج نظامی کمونیستها و سازمان گارد سرخ را تدارک دید (حدود ۱۰۰۰ سلول حزبی به انضمام جوانان در کانتون بودند؛ ۲۰۰ عدد از آنان همچنان که قبلاً گفتیم در هنگ آموزشی بودند). گروههای ویژه‌ای از کارگران فعال انقلابی برای اجرای مأموریت‌های ویژه تشکیل شدند، نظیر (تصفیه رهبران ضدانقلاب)؛ گروهبندی و آموزش رانندگان و نفرات کامیونها؛ افزودن بر تعداد قیام کنندگان در واحدهای دشمن و غیره.

کمیته انقلابی کانتون از پنج رفیق تشکیل شده بود، یکی از آنها (یه تینگ) به عنوان رهبر بخش نظامی قیام (ستاد کل) گمارده شده بود. رفیق یه تینگ تنها شش ساعت پیش از شروع عملیات وارد کانتون شد، و بنابراین در تدارک آن شرکت نداشت. این مسئله همچنان که بعداً خواهیم دید، تأثیر بسیار نامساعدی بر جریان رویدادها داشت.

شورا (Soviet) که در آستانه قیام انتخاب شده بود، شانزده عضو داشت. ده نفر از آنها در یک نشست فدراسیون سرخ اتحادیه‌های کارگری چین انتخاب شده بودند، سه نفر نماینده پادگان کانتون بودند و سه نفر بقیه از سازمانهای دهقانی کوانگ تونگ انتخاب شده بودند (تنها یکی از این سه رفیق آخری برای آغاز شورش در کانتون بود).

کار حزب در ارتش عمدتاً به واحدهای پادگان کانتون محدود شده بود زیرا منابع و افراد لازم وجود نداشتند، و هیچ کاری در بین نیروهای خارج از پادگان صورت نگرفته بود. همین مسئله را در رابطه با کار در میان دهقانان می توان گفت. یک مدرسه مخفی حزب برای رزمندگان روستایی در کانتون ایجاد شده بود. رفقای که در آن مدرسه حضور می یافتند به عنوان رابط

بین کانتون و سازمانهای دهقانی کار می کردند، کتابها و جزوات را در میان دهقانان توزیع می کردند و ... اما با توجه به تعداد محدود این رزمندگان، نتیجه جدی از کار آنها حاصل نمی شد. موازنه نیروهای مسلح در کانتون در آستانه قیام به شرح زیر بود:

نیروهای ارتجاع

۲ هنگ لی فولین در جزیره هونام	۳۰۰۰ نفر
۱ هنگ توپخانه در دامنه‌های شمالی کانتون با سی توپ	۵۰۰ نفر
۱ هنگ پیاده، نزدیک واحد قبلی	۶۰۰ نفر
۱ گردان نگهبان اسلحه خانه در نزدیک ایستگاه سان شوی	۳۰۰ نفر
۱ گردان پیاده، مستقر در همان نقطه	۲۵۰ نفر
کادتهای آکادمی وامپوا در جزیره وامپوا	۱۰۰۰ نفر
۱ هنگ جدیداً ایجاد شده از لشکر دوم در هسی کوان	۸۰۰ نفر
۱ هنگ جدیداً تشکیل شده از لشکر سوم پلیس شهری	۲۰۰۰ نفر
گردانهای محافظ خانه لی چی شن	(تعداد نامشخص)

علاوه بر این، مراکز فرماندهی لشکر دوم، لشکر دوازدهم و سپاه چهارم و ستادهای چانگ فاکوی نیز همگی در کانتون مستقر بودند. هر یک از این مراکز فرماندهی توسط تعدادی گروهان موزر Mauser که از پنجاه تا صد نفر تشکیل شده بودند محافظت می شدند (ارقام دقیق را نداریم)؛ اینها از بین سربازان دستچین شده بودند و با حقوقهای خوب کاملاً حرفه‌ای بودند.

تمامی این واحدها، به استثناء دو هنگ لی فولین و گروهانهای موزر وسیعاً توسط حزب کمونیست انقلابی شده بودند. بدین دلیل، آنها نیروی جدی در دست فرمانده ارتجاعی نبودند. اما دو هنگ لی فولین و گروهانهای موزر، تحت تأثیر تبلیغات انقلابی قرار نگرفته بودند. شورشیان تنها می توانستند این نیروها را به زور اسلحه از میدان خارج کنند.

نیروهای شورشی

هنگ آموزشی در پادگان چاهی	۱۰۰۰ نفر
یک اسکادران از ژاندارمری شهر	۵۰ نفر
یک گروه از محافظین اسلحه خانه	۵۰ نفر
۲ گروه از کادتهای وامپوا	۱۰۰ نفر
گارد سرخ کانتون	۲۰۰۰ نفر

علاوه بر این، شورشیان روی حمایت دهقانانی که به مجرد درگرفتن قیام باید یک گروه مسلح ۱۵۰۰ نفری را به کانتون می فرستادند، حساب می کردند (در واقع تنها حدود ۵۰۰ نفر از آنها وارد شدند).

در لحظه قیام، هنگ آموزشی تحت فرماندهی یک افسر ارتجاعی قرار داشت و بعضی از افسران هم با وی بودند؛ اما هنگ بطور کلی با ۲۰۰ سلول کمونیستی قدرتمندش و حتی به

انضمام برخی از افسران، مصممانه در جهت قیام بود و تنها در انتظار دستورات حزب به سر می برد. همچنان که دیدیم، موازنه قدرت سازمان یافته نظامی برای انقلاب مساعد نبود. اما اگر این واقعیت را در نظر بگیریم که نیروهای بورژوازی را از هر جهت شور انقلابی فرا گرفته بود، و اینکه از نظر سیاسی فوق العاده برای فرمانده ارتجاعی غیرقابل اعتماد بودند، می توان نتیجه گرفت که قدرتهای نظامی دو طرف در کانتون برابر بودند. با توجه به سازماندهی درست (در آغاز قیام)، این موازنه حتی می توانست به نفع شورشیان تغییر کند و این چیزی بود که اتفاق افتاد.

تشکیلات و تسلیحات گارد سرخ به شرح زیر بود:

پس از آنکه کمیته ایالتی برای تدارک قیام اقدام کرد (اوت ۱۹۲۷)، کانتون به ده ناحیه تقسیم شده بود که یک کمیسیون نظامی در رأس هر یک از آنها قرار داشت. این کمیسیونهای نظامی وظیفه سازماندهی کار در بین نیروهای ارتشی مستقر در کانتون و غلبه سیاسی بر آنها را به عهده داشتند. وظایف دیگر آنها عبارت بود از تشکیل دسته‌های گارد سرخ و آموزش نظامی آنها، جمع آوری اسلحه و مهمات، ایجاد شبکه‌ای اطلاعاتی در درون واحدهای چانگ فاکوی و مراکز فرماندهی و نهادهای حکومتی، و خلاصه، تدارک تکنیکی قیام بطور کلی.

کمیسیونهای نظامی ناحیه‌ای تحت رهبری کمیسیون نظامی کمیته ایالتی کوانگ تونگ کار می کردند، که از پنج رفیق تشکیل شده بود. کمیسیونهای ناحیه‌ای معمولاً از سه رفیق تشکیل می شدند، و استثنائاً در برخی موارد تنها یک «نماینده کمیسیون» وجود داشت.

کمیسیونهای نظامی مخفیانه کار می کردند. به خاطر نیاز به مخفی کاری مطلق، گارد سرخ ایجاد شده در نواحی گوناگون در طول این دوره اولیه، شکل گروههای ده نفره کاملاً مخفی جدا از هم و بدون واحدهای بزرگتر را به خود گرفتند. این گروههای ده نفره از کمیسیون نظامی منطقه دستور می گرفتند (یا دقیق تر گفته باشیم از رفیقی که برای سازماندهی دسته‌های گارد سرخ گمارده شده بود). نتیجتاً، وقتی که تعداد این گروههای ده نفره افزایش یافت و لحظه قطعی در حال نزدیک شدن بود، مسئله ترکیب این گروهها در واحدهای بزرگتر مطرح شد تا این گروهها بتوانند در جریان قیام بهتر بکار گرفته شوند. درست پیش از قیام (یعنی حدود دو هفته پیش از آن) وظیفه تشکیل و رهبری دسته‌های گارد سرخ از کمیسیونهای نظامی ناحیه‌ای گرفته شد و به رهبران نظامی که از طرف اتحادیه‌های کارگری تحت نفوذ حزب انتخاب شده بودند، واگذار گردید.

در آغاز قیام، حدود ۲۰۰۰ کارگر سازمان یافته در گارد سرخ کانتون وجود داشتند که از این عده ۳۰۰ نفر اعتصابیون هنگ کنگ بودند.

وضعیت اسلحه بسیار بد بود. گارد سرخ تقریباً هیچ اسلحه‌ای نداشت. در کل کانتون، تنها ۲۹ موزر و حدود ۲۰۰ نارنجک وجود داشت و حتی یک تفنگ هم موجود نبود. به علاوه، افراد آموزش نظامی کافی هم ندیده بودند. بسیاری از گاردهای سرخ طریقه کاربرد اسلحه‌هایشان را نمی دانستند. اغلب فرماندهان گروه ابتدایی ترین اصول علم نظامی یا تاکتیکهای جنگ خیابانی را نمی دانستند.

آموزش نظامی اندک گارد سرخ به شرایط خاص چین مربوط می شد. در چین نظام وظیفه اجباری وجود نداشت و تمامی ارتشهای چین، ارتشهای مزدور بودند. مردم چین نفرت عمیقی از سربازان داشتند و تنها کسانی که هیچ راه دیگری برای زنده ماندن برایشان نبود (دهقانان ورشکسته، لومپنهای شهری) به ارتش وارد می شدند. کارگران وارد ارتش نمی شدند. بدین

دلیل، طبقه کارگر چین فرصتی برای آموختن هنر جنگ از طریق قانونی نداشت. این وضعیت، نتایج بسیار فاجعه آمیزی بر کیفیت جنگی گارد سرخ کانتون داشت.

نقشه و جریان قیام

کمیته ایالتی حزب کمونیست در نشست ۷ دسامبر خویش به اتفاق آراء تصمیم گرفت شورشی را برای شب ۱۱-۱۰ دسامبر، در ساعت ۳/۳۰ صبح سازمان دهد. کمیته ایالتی فکر می کرد که تمامی شرایط اجتماعی و سیاسی لازم برای تضمین پیروزی قیام، اکنون وجود دارد. خبر تکان دهنده این بود که چانگ فاکوی، به دستور وانگ چینگ وی یکی از لشکرهاش را از جبهه بیرون می کشد و آن را برای خلع سلاح هنگ آموزشی و برقراری مجدد «نظم» به کانتون می آورد. روشن بود که به محض خلع سلاح هنگ آموزشی، ترور ارتجاعی دو برابر می شد و چانگ فاکوی تا از بین بردن تمامی امکانات انقلابی در کانتون با زور اسلحه از پای نمی نشست. بدین ترتیب مسئله بدین گونه مطرح شد: پذیرش شکست بدون نبرد، یا عمل کردن با یک فرصت منطقی برای کسب قدرت؟ حزب راه دوم را برگزید.

پس از آنکه چندین نقشه مورد بررسی قرار گرفت^۷، نقشه زیر تصویب شد: در ۱۱ دسامبر در ساعت ۳/۳۰ صبح، قیام در هنگ آموزشی درمی گرفت. سربازان باید هنگهای پیاده و توپخانه و یک گردان پیاده مستقر در همان نقطه را خلع سلاح می کردند. در همین حال، در شهر، گارد سرخ باید پلیس و هنگ گارد را خلع سلاح می کرد؛ به مراکز فرماندهی لشکرهای دوم و دوازدهم و سپاه چهارم و همچنین خانه لی چی شن حمله می برد، زندانها را که حدود ۳۰۰۰ زندانی سیاسی در آنها بودند باز می کرد، مراکز پلیس، ساختمانهای دولتی، انبارهای اسلحه نزدیک ایستگاه سان شوی را (که حدود ۴۰۰۰ تفنگ با مهمات، و ۵۰۰۰ نارنجک دستی داشت) می گرفت، و اسلحه خانه اصلی را که در هشت کیلومتری کانتون قرار داشت با تمامی سلاحهای متصرف می شد.

سلاحهایی که در اولین مراحل قیام گرفته می شد باید در بین کارگران توزیع می گردید و واحدهای مسلح جدیدی تشکیل می شد.

حزب یک اعتصاب عمومی اعلام می کرد. تمامی نیروهایش باید برای انجام وظیفه کشاندن توده کارگران به مبارزه برای سرنگونی نظام کهن به کار گرفته می شدند. حمایت آنها برای شورای مخفیانه تشکیل شده کارگران، دهقانان و سربازان لازم بود، به نحوی که امکان صدور اعلامیه‌ای در جریان قیام راجع به قدرت این شورا وجود می داشت. بلافاصله پس از آنکه قیام آغاز می شد، شورا یک سری فرمان صادر می کرد: درباره عزل حکومت کهن، ملی کردن زمین، توقیف دارائی های ثروتمندان اصلی شهر، ملی کردن بانکها، راه آهن و غیره. این، بطور کلی پایان مرحله اول قیام بود.

۷- یکی از این نقشه‌های رد شده به شرح زیر بود: در شب ۱۱ دسامبر، حزب تظاهراتی را سازمان می دهد که هنگ آموزشی در آن شرکت می کند. در جریان این تظاهرات اعلام اعتصاب عمومی می شود و در همین زمان سربازان هنگ آموزشی همراه با واحدهای گارد سرخ، ساختمانهای حکومتی را می گرفتند، پلیس را خلع سلاح می کردند و غیره. این نقشه کنار گذاشته شد زیرا اینطور به نظر کمیته انقلابی می رسید که چنانچه دشمن در یک حمله ناگهانی شبانه غافلگیر نشود، فرصتهای موفقیت ضعیف تر خواهند بود.

در مرحله دوم، تمامی نیروهای شورشی باید برای انجام وظیفه خالی کردن کامل شهر از باقیمانده ضدانقلاب و انحلال نیروهای ارتجاعی لی فولین در جزیره هونام بکار گرفته می شدند.

مرحله سوم شامل برخورد با نیروهای باقیمانده میلیتاریستی در کوانگ تونگ و کشاندن دهقانان به مبارزه انقلابی می شد. این آخرین مرحله نقشه، تنها در خطوط کلی آن مشخص شده بود. در صورت شکست هیچ برنامه ریزی ای نشده بود. اجرای نقشه از مراحل زیر گذشت:

درست در ساعت ۳/۳۰ صبح، چیانگ تای لی رئیس کمیته انقلابی کانتون با گروهی از کارگران سوار بر کامیونهایی که توسط رانندگان انقلابی از کارفرمایانشان گرفته شده بودند، به سربازخانه هنگ آموزشی وارد شد. این هنگ، هنگامی که سازمان کمونیستی اش علامت داد، با قدرت کامل در حیاط جمع شد؛ پس از سخنرانی ده دقیقه‌ای چانگ تای لی خطاب به سربازان، آنها اعلام کردند که کاملاً در اختیار شورای کارگران، دهقانان و سربازان هستند و می خواهند در استقرار نظام جدید فعالانه شرکت کنند. فرمانده هنگ و یازده افسر ارتجاعی که می خواستند از کومین تانگ دفاع کنند، در جا کشته شدند.

هر یک از سه گردان هنگ آموزشی مأموریت خاص خویش را دریافت کرد: یکی باید برای خلع سلاح هنگ پیاده می رفت، دیگری باید هنگ توپخانه و گردان پیاده را خلع سلاح می کرد و سومی باید به شهر می رفت و به گارد سرخ می پیوست.

درست در همین لحظه (۳/۳۰ صبح) گارد سرخ عملیات را در داخل شهر شروع کرد. خلع سلاح هنگهای پیاده و توپخانه و گردان پیاده سریعاً توسط دسته‌های هنگ آموزشی صورت پذیرفت. هنگ آموزشی از این عملیات، سی توپ و تعداد زیادی تفنگ حدود ۱۵۰۰ عدد) و مسلسل به دست آورد. سلاحهای گرفته شده با کامیون به شهر حمل و بین کارگران توزیع شدند. گردانهای هنگ آموزشی نیروهای خلع سلاح شده را تحت مراقبت قرار دادند و برای انجام وظایف انقلابی بعدی عازم شدند.

عملیات گارد سرخ برای خلع سلاح پلیس در پاسگاههایشان و اشغال ساختمانهای دولتی با موفقیت به انجام رسید. از سوی دیگر، حملات به مراکز فرماندهی لشکرهای دوم و دوازدهم و سپاه چهارم، و به خانه لی چی شن که صدها پرسنل موزر در آن جای داشتند و حمله به مراکز فرماندهی پلیس همه با شکست مواجه شدند. آخرین هدف تنها پس از یک حمله خونین توسط گارد سرخ و یک گردان از هنگ آموزشی به تصرف درآمد. پس از تصرف مراکز فرماندهی پلیس، ستاد کل کمیته انقلابی در آنجا مستقر شد.

در ساعت ۳ بعد از ظهر، شورشیان تمامی پاسگاههای محلی و تمامی ساختمانهای دولتی را در شهر به استثناء نواحی تونگ شانگ و شامین اشغال کردند. ناحیه شامین بخاطر آنکه ناحیه‌ای بود که به خارجی‌ان و اگذار شده بود، در طرح حمله قرار نداشت. تنها مراکز فرماندهی دو لشکر و سپاه چهارم، و خانه لی چی شن در دست دشمن باقی ماند. پیش از اشغال این مواضع نیروهای قابل ملاحظه‌ای باید شکل می گرفت و عزم راسخی توسط شورشیان باید نشان داده می شد. تنها در پایان اولین روز بود که امکان هجوم وسیع به مراکز فرماندهی لشکر دوم و دوازدهم فراهم آمد. مراکز فرماندهی سپاه چهارم که ۲۰۰ پرسنل موزر داشت و سرسختانه مقاومت می کردند، تنها در حدود ساعت ۱۰ صبح روز دوم پس از آنکه شورشیان ساختمان را آتش زدند تصرف شد. حدود نیمی از توپچی های موزر (یعنی حدود ۱۰۰ نفر) توانستند از

طریق رودخانه به جزیره هونام فرار کنند. آتش در مراکز فرماندهی ارتش به بانک مرکزی سرایت کرد و ساختمان آن را با خاک یکسان نمود.

در ارتباط با تصرف مراکز فرماندهی سپاه چهارم، یک موقعیت جالب به وجود آمد که باید ذکر کنیم. یکی از افسران ستاد این ستون کمونیست بود. علیرغم این امر، کمیته انقلابی لازم ندید که وی را از نقشه قیام مطلع کند، و به همین دلیل این افسر کمونیست، که عهده دار پست مهمی هم بود، نقشی در عملیات نداشت.

خانه لی چی شن - که چیزی شبیه یک دژ بود که یک خندق و یک دیوار سنگی بلند آنرا احاطه کرده بود - در تمامی مدتی که قدرت شوروی در کانتون ادامه داشت تسخیر نشد. به هر حال لی چی شن در خانه نبود؛ اما تعداد زیادی از سربازانی که فدایی وی بودند و در دفع حملات موفق شدند در خانه بودند.

در همان روز اول شورش، شورشیان کمبود سلاح داشتند. سلاحهایی که از هنگهای پیاده و توپخانه یا پس از خلع سلاح پلیس گرفته شدند برای تسلیح تمامی کارگرانی که می خواستند بجنگند به هیچ وجه کافی نبود (در ساعت ۷ صبح روز ۱۱ دسامبر ۲۰۰۰۰ کارگر نقش فعالی را در شورش به عهده گرفته بودند). علیرغم این، انبار اسلحه ایستگاه سان شوی و اسلحه خانه اصلی در سراسر شورش تسخیر نشدند. علت این امر بر ما روشن نیست. آنچه که قطعی است اینست که تصرف این هدفهای کلیدی، امکان تسلیح ۱۰۰۰۰ نفر از کارگران را فراهم می آورد، و بدین گونه موازنه نیروها را کاملاً به نفع شورشیان تغییر می داد.

بر طبق برخی گزارشها، یک دسته قدرتمند ۵۰۰ نفری از دهقانان خارج شهر، ایستگاه سان شوی را تصرف کردند و کوشیدند انبار اسلحه را در اختیار بگیرند. اما وقتی که با مقاومت محافظین روبرو شدند، بحث شروع شد و بالاخره انبار به تصرف درنیامد.

نیروهای میلیتاریستی جنگ را برای باز پس گرفتن کانتون از همان روز اول شورش آغاز کردند. حمله توسط واحدهای لی فولین از جزیره هونام انجام می گرفت. هنگهای لی فولین تحت پوشش توپهای کشتی های خارجی و چینی از عرض رودخانه گذشتند و در نزدیکی شرق محل فرماندهی سابق سپاه چهارم دست به حمله زدند. چهار حمله آنها در هم شکسته شد. برخی از توپهایی که از هنگ توپخانه گرفته شده بودند در این حملات مورد استفاده شورشیان قرار گرفتند. در روز دوم، نیروهای لی فولین به وسیله راه آهن از شمال سرازیر شدند و به چند حمله بدون موفقیت دست زدند. حتی یکی از این حملات در ۱۵۰ متری مرکز فرماندهی کمیته انقلابی صورت گرفت، زیرا دشمن بدون اینکه به شورشیان برخورد کند تا آنجا پیش رفته بود. این مورد نشان می دهد که شناسایی ها بسیار بد سازمان یافته بودند.

از همان آغاز، اتحادیه زرد مهندسی طرف ارتجاع را گرفت. پانزده دسته پنجاه نفره مسلح تشکیل داد و اینها نقش فعالی در مبارزه علیه شورشیان داشتند.

در طول شب ۱۲-۱۳ دسامبر، کمیته انقلابی به بررسی وضعیت پرداخت و به این نتیجه رسید که کانتون سرخ در وضعیتی کاملاً بحرانی به سر می برد. از یکسو، آنها نتوانستند شهر را از نیروهای ضدانقلاب پاک کنند (هونام، تونگ شان)، از سوی دیگر، پرولتاریا و خرده بورژوازی از رژیم جدید حمایت فعالی نکردند. آنها نتوانسته بودند به اعتصابی عمومی دست بزنند. تنها رانندگان، چاپخانه داران، ریکشچی ها [درشکه چی ها]، ملوانان خط هنگ کنگ - تین تسین و تعداد اندک دیگری به خیابانها ریخته بودند؛ کارگران راه آهن، کارکنان شهرداری، ملوانان هنگ کنگ و دیگران کار را متوقف نکرده بودند. خرده بورژوازی، عموماً سیاست انتظار را پیشه کرده بود. اتحادیه مهندسی، و بخشی از کارگران گردآمده در حول آن، آشکارا با

قیام دشمنی می ورزیدند. رهبران ضدانقلاب (چانگ فاکوی و دیگران) به نحو موفقیت آمیزی منزوی نشده بودند. آنها از پناهگاه‌هایشان در هونام و هنگ کنگ به هدایت مبارزه علیه انقلابیون ادامه می دادند. ناوگان امپریالیستی کمک مؤثری به ضدانقلاب می داد: پناهگاهی برای بورژوازی فراری؛ حمل و نقل نیروهای لی فولین برای حمله به مرکز کانتون از تونگ شان؛ بمباران شهر به وسیله توپهای چینی و کشتی های خارجی و غیره.

از سوی دیگر، شهر سرخ توسط یک کمربند ضدانقلابی محاصره شده بود. این کمربند توسط ژنرالها چانگ فاکوی، لی چی شن و لی فولین که به هنگام مواجهه با دشمن مشترک به توافق رسیده بودند ایجاد شده بود. تحت فشار امپریالیستها، آنها موقتاً برای هجوم دسته جمعی و از تمامی جهات به کانتون خصومت‌های خود را فراموش کرده بودند. ایستگاه راه آهن سان شوی قبلاً به وسیله یک دسته از لشکر بیست و ششم چانگ فاکوی اشغال شده بود. نیروهای لی فولین، که به وسیله ناوگان خارجی از سمت دیگر رودخانه حمل شده بودند، تدارک حمله جدیدی را از تونگ شان می دیدند. لشکر بیست و پنجم از شرق پیشروی می کرد. نیروهای لی فولین به حمله از شمال ادامه می دادند. اتحادیه مهندسی فعالانه به ضدانقلاب کمک می کرد. در عین حال، کمیته انقلابی از ورود قریب الوقوع دیگر واحدهای ارتشی مستقر در ایالت کوانگ تونگ مطلع شده بود.

نیروهای شورشی که فاقد اسلحه (تفنگ) بودند نه تنها نمی توانستند رشد کنند، بلکه زیانهای اجتناب ناپذیری در طول نبرد باعث کاهش روزافزون آنها شد. کسب برتری در قدرت نظامی غیرممکن شد و اکنون موازنه نیروها به تدریج به نفع ضدانقلاب تغییر می کرد. وضعیت آنچنان بود که کمیته انقلابی نمی دانست آیا ادامه دفاع از کانتون درست است یا باید عقب نشینی کند. تصمیم گرفته شد که تمامی نیروهای مسلح در دسترس به خارج شهر فرستاده شوند و تلاش برای قیام دهقانی در هایلوفنگ صورت گیرد. در صبح و در طول روز ۱۳ دسامبر، نیروهای مسلح شورشیان شهر را تخلیه کردند، بدین ترتیب حدود ۱۵۰۰ نفر از هنگ آموزشی و بخشی از گارد سرخ از شهر بیرون رفتند. واحدهای گارد سرخ باقیمانده در کانتون تا آخرین نفر جنگیدند.

عقب نشینی این نیروی ۱۵۰۰ نفره عملاً عجولانه بود و توپها، اکثر مسلسلها و اغلب مهمات در شهر باقی ماند.

سرکوب خونینی که توسط ضدانقلاب اعمال گردید به قیمت جان بیش از ۴۰۰۰ کارگر تمام شد.

درسهایی که از قیام کانتون می توان گرفت

اکنون باید با جزئیات بیشتر مسئله اصلی مطرح شده توسط قیام کانتون را مورد بررسی قرار دهیم: دلایل شکست آن چه بودند؟ یک حزب انقلابی به هنگامی که برای تصرف قدرت در آینده سازماندهی می کند و تدارک می بیند؛ چه درسهایی از آن می تواند بگیرد؟

همچنان که از توضیحاتی که در مورد چگونگی تدارک و اجرای قیام کانتون دیدیم، حزب کمونیست اشتباهاتی جدی در سازمان نظامی و رهبری عملیات مرتکب شد. این اشتباهات نمی توانست تأثیر فاجعه آمیزی بر نتیجه ستیز نداشته باشد. این اشتباهات را می توان به شرح زیر خلاصه کرد:

نقشه قیام با دقت کافی مورد مطالعه قرار نگرفته بود؛ ثابت شد که رهبری فوق العاده ضعیف بود. این تا حد زیادی بدین واقعیت مربوط می شد که عضو کمیته انقلابی مسئول کل عملیات

نظامی تنها شش ساعت پیش از شورش به کانتون وارد شده بود؛ در نتیجه وی نمی توانست وضعیت را به حد کافی بررسی نموده و نتیجه گیری های لازم را در مورد عملیاتی که باید انجام می شد بنماید. به علاوه، این رفیق، هر چند که حرفه اش سربازی بود (یه تینگ یک ژنرال بود) اما آموزش نظامی کافی ندیده بود؛ و هیچ تجربه ای در مورد قیام پرولتری در یک شهر نداشت. فقدان هر گونه نقشه جدی یا رهبری درست در طول قیام توضیح دهنده این واقعیت است که انبار اسلحه سان شوی و ذخایر اصلی مهمات تصرف نشدند، شناسایی ها و ارتباطات در طول جنگ به نحو درستی سازمان نیافته بود و غیره. همچنین این امر، توضیح دهنده این واقعیت است که چرا هیچ استفاده ای از خلع سلاح سربازان هنگهای توپخانه و پیاده و گردان پیاده صورت نگرفت.

شکی نیست که سربازان این واحدهای خلع سلاح شده، پس از مقداری کار سیاسی که به سرعت انجام می شد و انتخاب دقیقی که صورت می گرفت، می توانستند به صورت رزمندگان فعال مورد استفاده قرار گیرند. اما رفیق فرمانده وقتی که توجه اش به این امکان جلب شد، بجای این کار، صورت نگهبانی سربازان خلع سلاح شده را با عقاید سیاسی شان خواست. طبیعتاً چنین شیوه بوروکراتیکی برای حل یک مسئله انقلابی در زمان قیام، نمی توانست نتیجه خوبی به همراه داشته باشد. زمان کوتاه بود و همین زمان کوتاه هم در کاغذبازیهایی بی مصرف تلف شد و در پایان سربازان این واحدها بلااستفاده باقی ماندند. نتیجتاً، آنها به سادگی در سراسر شهر پراکنده شدند. معذرت این اکثریت این سربازان از نظر سیاسی فرق چندانی با سربازان هنگ آموزشی نداشتند. اگر این مسئله واقعیت نداشت، آنها نمی گذاشتند توسط تعداد اندکی از هنگ آموزشی به سادگی خلع سلاح شوند. شور انقلابی در بین سربازان دو هنگ پیاده و توپخانه واقعیتی انکارناپذیر بود و این مسئله در مورد دیگر واحدهای پادگان کانتون هم صدق می کرد. به خاطر همین امر بود که بی طرف کردن آنها به سادگی انجام شد.

در نتیجه ضعف رهبری، وظایف به درستی در بین واحدهای مختلف سرخ تقسیم نشده بود. تعدادی از این واحدها کاملاً بلااستفاده باقی ماندند، همچنان که یه تینگ در گزارش خویش به آن اشاره می کند: یک گروه از ژاندارمها؛ یک گروه از محافظین ذخایر مهمات؛ دو گروه از کادتهای وامپوا. با وجودی که این واحدها را واحدهایی انقلابی می دانستند اما هیچ مأموریت فعالی به آنها محول نشد؛ آنها هیچ پیامی از جانب رهبری قیام دریافت نکردند و در سراسر قیام غیرفعال باقی ماندند. با وجود این، کمبود نیروی انسانی کاملاً محسوس بود.

اشتباه جدی بعدی رهبری، عدم استفاده از افسر کادر کمونیست بود که در آغاز قیام در مرکز فرماندهی سپاه چهارم بود. این رفیق، همچنان که قبلاً خاطر نشان کردیم، از نقشه های کمیته های کمونیست کوانگ تونگ مطلع نشده بود. او به واسطه پستی که داشت می توانست جداً بر جریان کلی رویدادها به نفع پرولتاریا تأثیر بگذارد. اما برای انجام چنین کاری، وی را باید در جریان قرار می دادند و وظایف خاصی از طرف کمیته انقلابی به وی محول می شد.

رهبری، به هنگام کار بر روی نقشه قیام، اهمیت بسیار اندکی به تصفیه رهبران ضدانقلابی داد. انقلابیون در سراسر قیام موفق به خنثی کردن رهبران فعال ارتجاع نشدند. فرماندهی کل ضدانقلاب (چانگ فاکوی و دیگر رهبران کومین تانگ) در تونگ شان قرار داشت. برای اشغال تونگ شان در آغاز قیام نقشه ای ریخته نشده بود و این برنامه به مرحله دوم واگذار شده بود. نتیجه این شد که رهبران ضدانقلاب، همچنان که نشان دادیم، یکباره فرار کرده و در جزیره هونام و هنگ کنگ پناه گرفتند و از آنجا می توانستند مبارزه علیه شورشیان را در امنیت کامل هدایت کنند.

عدم اشغال تونگ شان، و این واقعیت که اجازه داده شد فرماندهی عالی ضدانقلاب فرار کند، یکی از بزرگترین اشتباهات فاحش رهبران شورش کانتون بود. بطور کلی، باید خاطر نشان کرد که شورشیان نیروی کافی برای نبرد با شخصیت‌های ضدانقلاب تخصیص ندادند. بدین گونه است که چو جویی در مقاله‌ای به نام «قیام کانتون» می نویسد:

«اهمیت کمی به خنثی کردن ضدانقلابیون داده شده بود. در طول تمامی مدتی که کانتون در دست شورشیان بود، تنها صد نفر اعدام شدند. زندانیان تنها پس از یک دادگاه عادی توسط کمیسیون مبارزه علیه ارتجاع اعدام شدند. در میانه جنگ، در میانه قیام چنین روشی بسیار کند است. بدین گونه پس از عقب نشینی، هفتاد یا هشتاد ارتجاعی در زندانها بودند که بعداً آزاد شدند و در سرکوب شرکت کردند. هیچ تلاشی برای توقیف مالکیت‌های دولتی یا ثروت ارتجاعیون صورت نگرفت. قدرت دو یا سه روز دست ما بود؛ با وجود این ارگانهای اصلی رهبری قیام پول کافی برای خرید آذوقه نداشتند، در حالی که در بانک مرکزی چندین میلیون اسکناس وجود داشت که دست نخورده باقی ماندند. نه دیگر بانکها دست خوردند و نه مغازه‌ها».^۸

اشتباه جدی دیگر رهبری آن بود که گرچه در ظهر روز اول مرکز کانتون در دست شورشیان بود، اما نتوانست مراکز فرماندهی سپاه چهارم را از واحدهای تحت فرماندهیش جدا سازد. مرکز فرماندهی در عصر آن روز با نیروهایش در خارج شهر در ارتباط بود. ارتباط تلگرافی بین کانتون و هنگ کنگ هرگز قطع نشد.

واقعیتی که تأثیر فاجعه آمیزی بر جریان ستیز داشت این بود که توده‌های طبقه کارگر نمی دانستند چگونه از سلاحهایشان استفاده کنند. از سی تویی که از هنگ توپخانه گرفته شد، تنها پنج تایی آن مورد استفاده قرار گرفت و بقیه بلااستفاده باقی ماندند، زیرا شورشیان طرز استفاده از آنها را نمی دانستند. همین مسئله در مورد مسلسلها هم صدق می کرد: شورشیان هیچ استفاده‌ای از اغلب مسلسلهایی که گرفتند نکردند. نیروهای طبقه کارگر که چگونگی حمل سلاحهایشان را نمی دانستند و از اصول اولیه نبرد بی اطلاع بودند، تلفات سنگینی را متحمل می شدند در حالی که ضربات نسبتاً کمتری به دشمن وارد می کردند. شیوه‌های جنگ باریکادی به درستی بکار گرفته نشدند؛ با وجود اینکه در آغاز دومین روز شورشیان به موضع دفاعی افتاده بودند و وضعیت، استفاده از باریکادها را طلب می کرد که می توانست نتایج بسیار ثمربخشی داشته باشد. اما شورشیان بیشترین نیرو و توجه خود را به تصرف مراکز فرماندهی سپاه چهارم و خانه لی چی شن معطوف کردند. در زمانی که وضعیت، اقدام سریع و پرحرارتی را برای تصرف تمامی شهر و بالاتر از همه، مواضع ضدانقلاب را در تونگ شان می طلبید، تاکتیک درست محاصره و منزوی کردن این مراکز فرماندهی با حداقل نیروها بود (قطع تمامی ارتباطات، برق، آب و غیره)؛ پس از آن اگر قرار بود موازنه نیروها به نفع انقلاب تغییر کند، اکثر منابع در دسترس باید برای حمله به هدفهایی که در آن موقعیت خاص اهمیت بیشتری داشتند اختصاص می یافتند (تونگ شان، انبارهای اسلحه و غیره).

تمامی اشتباهات تاکتیکی و تشکیلاتی فوق الذکر، همراه با ضعف رهبری و ناتوانی کارگران در استفاده از سلاحهایشان، تأثیر بسیار منفی بر کل جریان شورش داشتند. مسئله اساسی در هر ستیز، و به ویژه در جریان یک قیام، اینست که چگونه شورشیان می توانند بر نیروی ضدانقلاب برتری حاصل کنند؛ اگر برای این مسئله راه حل مناسبی حاصل نشد، عمدتاً در نتیجه اشتباهاتی بود که برشمردیم.

شورشیان پس از حمله شجاعانه و پرحرارت اولیه شان بر نظام کهن در نتیجه رابطه نامساعد نیروها در میدان جنگ مجبور به گرفتن موضع دفاعی شدند. از این پس ابتکار جنگ به دست دشمن افتاد.

علاوه بر این، باید خاطرنشان کرد که مرگ چانگ تای لی، یکی از پرشورترین و با استعدادترین رهبران، که در دومین روز به هنگام بازگشت از یک جلسه به قتل رسید، رهبری ضعیف را باز هم ضعیف تر نمود.

اما، علیرغم تأثیرات منفی قابل ملاحظه اشتباهات تاکتیکی که ذکر کردیم، علل اساسی شکست به اعتقاد ما در جای دیگری قرار داشتند. علل اساسی و قطعی را باید در حوزه دیگری جستجو کرد: وضعیت عمومی در چین و موازنه نیروها در ایالت کوانگ تونگ به نفع قیام نبود.

در کانتون بخاطر تعداد محدود نیروهای ضدانقلابی در آن لحظه، امکان کسب قدرت وجود داشت (هر چند که تمامی شهر به اشغال درنیامد، زیرا تونگ شان و جزیره هونام در دست دشمن باقی ماندند). اما این امر تنها در مورد کانتون صادق بود. در ایالت کوانگ تونگ بطور کلی، موازنه نیروها شدیداً به زیان شورشیان بود. به فاصله دو یا سه روز راه از کانتون، در جهات مختلف، حدود ۵۰۰۰۰ نفر تحت فرماندهی میلیتاریستهای چانگ فاکوی، لی چی شن و دیگر ژنرالهای پائین رتبه تر قرار داشت که هیچ توافقی با یکدیگر نداشتند. کار حزب در بین این نیروها برای برگرداندن و تغییر جهت دادن سیاسی آنها به سمت انقلاب عملاً صورت نگرفته بود (بخاطر کمبود نفرات) و اغلب سربازان کاملاً از شعارهای کمونیستی بی اطلاع بودند. این واقعیت بود که به چانگ فاکوی اجازه داد پس از در هم شکسته شدن قیام پرولتری، ارتش خویش را گردآورده و برای سرکوب شورش اعزام دارد. لی فولین و لی چی شن نیز همین کار را کردند. تمامی اینها بدین خاطر امکان پذیر شد که هیچ جنگ خونین و واقعی بین این میلیتاریستها وجود نداشت؛ و بدین گونه آنها بدون کوچکترین تردیدی توانستند نیروهایشان را از جبهه فراخوانده و به مقابله با کانتون بفرستند. این هنگامها روحیه خود را از دست نداده و به فرمانده ارتجاعی وفادار بودند و از نظر مادی و سیاسی مورد حمایت امپریالیستها بودند. همینکه این نیروها حمله خود را از تمامی جهات علیه شهر شروع کردند، روشن بود که کانتون قابل دفاع نیست؛ زیرا برتری نیروها بی اندازه به نفع ضدانقلاب بود. در لحظه قیام، هیچ جنبش انقلابی جدی در بین دهقانان مناطق اطراف کانتون وجود نداشت. منطقه هایلوفنگ که در آن قدرت شوروی در شش ناحیه اعلام شده بود، ۲۵۰ کیلومتر از کانتون فاصله داشت، و به همین دلیل دهقانان شورشی نمی توانستند به هنگامی که کانتون نیاز داشت حمایت فعالی از آن بکنند. همین مسئله در مورد جزیره هاینان صدق می کرد. در اینجا نیز یک جنبش دهقانی قدرتمند وجود داشت، اما این جنبش کاملاً منزوی بود به نحوی که انتظار هیچ کمکی از آن نمی رفت.

قیام کانتون توسط هیچ اقدامی از طرف توده‌های پرولتار یا دهقانان انقلابی در دیگر ایالات چین مورد پشتیبانی قرار نگرفت. کمیته مرکزی حزب کمونیست به موقع از تصمیم کمیته منطقه‌ای کوانگ تونگ برای آغاز جنبش کانتون در ۱۱ دسامبر مطلع نشد.

این چنین بود وضعیت سیاسی عمومی و موازنه نیروها بین انقلاب و ضدانقلاب در کوانگ تونگ. در رابطه با خود کانتون، بدون کوچکترین تردیدی یک جنبش انقلابی توده‌ای وجود داشت: توده‌ها در اشکال مختلف در جنبش شرکت کردند و از قیام هواداری نمودند (تمامی مجادلات منشویکی که ادعا می کردند توده‌های کانتون در شورش شرکت نکردند و اینکه این شورش تنها یک کودتا (پوچ) بود، مزخرفات اند). اما این نیز درست است که بخشهایی از پرولتاریا، مثل اتحادیه مهندسی با بیش از ۵۰۰۰ کارگر عضو (و بسیاری از اتحادیه‌های دیگر

که نماینده دهها هزار عضو بودند و تحت نفوذ اتحادیه مهندسی قرار داشتند)، نه تنها از جنبش حمایت نکردند بلکه برعکس با آن دشمن بودند و یا حداقل تماشاچیان منفعل و بی طرف این ستیز خونین باقی ماندند.

شورشیان توانایی تدارک یا اجرای یک اعتصاب عمومی را نداشتند: کارگران راه آهن و ملوانان به کار ادامه دادند و توسط ضدانقلاب برای حمل و نقل نیروها، فرار از کانتون و غیره به کار گرفته شدند. این امر به ویژه در مورد کارگران حمل و نقل رودخانه‌ای صادق بود. خرده بورژوازی هنوز به توهمات خویش در مورد جناح «چپ» کومین تانگ چسبیده بود و هیچ چیزی از شعارهای کمونیستی و آنچه که در شهر می گذشت نمی دانست. برای توضیح بیشتر در اینجا قضاوت یک عضو کمیته انقلابی کانتون، رفیق یه تینگ را درباره برخورد توده‌های کارگر با قیام ذکر می کنیم:

« توده‌های عظیم به هیچ وجه در قیام شرکت نکردند: دو تظاهرات بزرگ نتیجه چندان رضایت بخشی نداشتند. تمامی مغازه‌ها بسته بودند، و کارگران مغازه‌ها هیچ تمایلی به حمایت از ما نشان ندادند. ما توانایی استفاده از تمامی رفقایمان را نداشتیم و نتیجتاً تعجب آور نخواهد بود اگر کارگران بسیار بد سازمان یافته باشند. اغلب سربازانی که خلع سلاح شده بودند، به سادگی در اطراف شهر پراکنده شدند. قیام رابطه‌ای با دردهایی که در بین کارگران سه خط راه آهن ایجاد شده بود نداشت. ارتجاعیون هنوز می توانستند از خط کانتون - هانکو استفاده کنند. ما توجه کافی به ناوگانی که در دست دشمن باقی ماند ننمودیم. حزب ما آنچه را که برای حمایت از سازمانهای پایه‌ای کارگران لازم بود انجام نداد. دسته‌های مسلح اتحادیه مهندسی با بازوبندهای سفید، برادران سرخ خود را تعقیب می کردند و آنها را می کشتند. کارگران برق چراغهای خیابانها را خاموش کردند و ما مجبور بودیم در تاریکی کار کنیم. کارگران کانتون و هنگ کنگ، مانند ملوانان، تحت فشار امپریالیستهای انگلیسی جرأت پیوستن به کسانی که می جنگیدند را نداشتند. با وجود این، ملوانان خط هنگ هنگ - تین تسین در چنین وضعیتی اعتصاب کردند و پیروز هم شدند. کارگران حمل و نقل رودخانه‌ای شرمگینانه خود را در خدمت سفیدها قرار دادند و آنها را در پیمودن رودخانه کمک کردند، در حالی که ما نمی توانستیم حتی چند قایق پیدا کنیم. کارگران راه آهن هنگ هنگ و هانکو پیامها و سربازان دشمن را منتقل و حمل می کردند. دهقانان برای ویران کردن راه آهن به ما کمک نکردند و تلاشی برای جلوگیری از حمله دشمن به کانتون ننمودند. کارگران هنگ هنگ حداقل هواداری از قیام را هم نشان ندادند.»^۹

گرچه به اعتقاد ما یه تینگ شرکت توده‌ها را در شورش کم برآورد می کند، معهدا ما بطور کلی با وی هم عقیده‌ایم. روشن است که این شرکت ناکافی توده‌های پرولتاریا به فقدان رهبری درست مربوط می شد؛ رهبران نشان دادند که توانایی انجام اقدامات لازم برای تأمین همکاری کارگران در مبارزه فعال را نداشتند. اما یک چیز دیگر نیز به همین اندازه روشن است: شرایط ضروری اجتماعی که بدون آن پیروزی قیام مسلحانه امکان ناپذیر است به میزان کافی در کانتون وجود نداشت.

« قیام کانتون، تلاش قهرمانانه پرولتاریا برای سازماندهی یک حکومت شوروی در چین، نقش عظیمی در تکامل انقلاب کارگران و دهقانان داشت. اما معهدا، یک سری از اشتباهات فاحشی را که رهبران آن مرتکب شدند نیز آشکار نمود: کار مقدماتی ناکافی در بین کارگران و دهقانان، و در میان نیروهای دشمن؛ ارزیابی غلط اعضای کارگر اتحادیه‌های زرد؛ تدارک

ناکافی سازمان حزب و سازمان جوانان کمونیست برای قیام با بی اطلاعی کامل مرکز ملی حزب از رویدادهای کانتون؛ ضعف بسیج سیاسی توده‌ها (عدم وجود اعتصابات وسیع سیاسی، عدم وجود یک شورای منتخب در کانتون به عنوان ارگان قیام) که در این مورد تا حدی رهبرانی که از نظر سیاسی مستقیماً در مقابل بین الملل کمونیست مسئول بودند (رفیق تویمین و دیگران) قابل سرزنش اند. علیرغم تمامی اشتباهات فاحش، قیام کانتون را باید همچون نمونه‌ای از قهرمانی کارگران چین دانست که اکنون حق دارند بر نقش تاریخی خویش به عنوان رهبران انقلاب کبیر چین تکیه کنند.»^{۱۰}

کنگره ششم حزب کمونیست چین و ششمین کنگره جهانی بین الملل کمونیست موافقت خویش را با این نظر اعلام نمودند. مطلب جدیدی که این دو کنگره اضافه کردند این بود که شورش کانتون را باید همچون یک «عمل عقب دار پرولتاریای چین در دوره پیش از انقلاب» دانست. قیام کانتون در لحظه‌ای درگرفت که موج انقلابی در چین فروکش کرده بود.

«اما موج انقلابی شروع به فروکش کردن نموده بود. در جریان تعدادی از شورشها (شورشی که توسط هولونگ و یه تینگ رهبری می شد، شورشهای دهقانی در هونان، هویه، کوانگ تونگ و کیانگ سو) طبقه کارگر و دهقانان هنوز می کوشیدند قدرت را از دست امپریالیستها، بورژوازی و زمینداران بزرگ بگیرند و بدین ترتیب شکست انقلاب را مانع شوند. اما در این کار موفق نبودند. آخرین حمله سخت این موج انقلابی قیام قهرمانانه پرولتاریای کانتون بود، که تحت شعار شوراها کوشید با سرنگونی کومین تانگ و استقرار دیکتاتوری کارگران و دهقانان به انقلاب ارضی بپیوندد.»^{۱۱}

این ارزیابی از قیام کانتون بمثابة عمل عقب دار پرولتاریای چین اهمیت بسیار زیادی دارد، و یک اصل است. بین الملل کمونیست با این ارزیابی به علت اساسی شکست اشاره می کند.

اگر اشتباهات نظامی و سیاسی مرتکب شده در طول تدارک و اجرای قیام را در پرتو وضعیت سیاسی کلی در کشور و به ویژه در کوانگ تونگ و کانتون مورد داوری قرار دهیم، درک خواهیم کرد که این اشتباهات در واقع تأثیر تعیین کننده‌ای بر نتیجه ستیز نداشتند.

قیام کانتون توسط نیروهای ارتجاعی برتر و ترکیب نیروهای میلیتاریستها، بورژوازی، امپریالیستها و غیره درهم شکسته شد. کارگران کانتون قهرمانی فوق العاده‌ای از خود نشان دادند. پرولتاریای کانتون و طبقات زحمتکش تمامی چین درسهای لازم را از اشتباهات و دستاوردهای کمون کانتون گرفتند. فرمانهای حکومت جوان کانتون برای کارگران چین اهمیت زیادی خواهند داشت: ملی کردن زمین؛ صادره مؤسسات بزرگ، وسایل حمل و نقل، بانکها؛ هشت ساعت کار؛ نابودی ضدانقلاب؛ به رسمیت شناختن اتحادیه‌های کارگری بمثابة ارگانهای مجاز طبقه کارگر؛ سرکوب ارتشهای مزدور؛ جنگ همه جانبه علیه امپریالیستها؛ مبارزه علیه جنگهای میلیتاریستی و غیره. این فرمانها به کارگران چینی نشان دادند که مسئله صرفاً انتقال قدرت به یک گروه خاص یا انتقال آن از یک طبقه حاکم به طبقه دیگر نیست، بلکه عبارتست از دگرگونی ریشه‌ای کل نظام اجتماعی به وسیله انتقال تمامی قدرت به طبقات زحمتکش. اینست اهمیت جهانی شورش کانتون.

۱۰ - «قطعنامه مربوط به مسئله چین»، پذیرفته شده در نهمین پلنوم کمیته اجرایی بین الملل کمونیست در ۱۹۲۸.

۱۱ - «تراها و قطعنامه‌های ششمین کنگره جهانی بین الملل کمونیست» در «ترهایی درباره جنبش انقلابی در مستعمرات و نیمه مستعمرات».

اما اهمیت شورش اگر رهبرانش اشتباهات فاحش فوق الذکر را مرتکب نمی شدند بسیار بزرگتر از این می شد: اشتباهاتی که قابل اجتناب بودند.

در واقع، اگر رهبران قیام یک نقشه کاملاً دقیق داشتند و آنرا با تمامی جزئیاتش به اجرا درمی آوردند، مبارزه کاملاً خصلت دیگری به خود می گرفت. اشغال انبارهای اسلحه و ذخایر اصلی مهمات به شورشیان اجازه می داد تا نیروهای مسلح خود را به حدود ۱۰۰۰۰ نفر برسانند. حتی آنها می توانستند این تعداد را از این هم بیشتر کنند اگر از سربازان واحدهای خلع سلاح شده پادگان و واحدهای انقلابی که هرگز برای شرکت در مبارزه فراخوانده نشدند به درستی استفاده می کردند. اگر آنها تمامی این کارها را انجام داده بودند، کارگران و سربازان به سلاح مجهز شده بودند و ارتشی ۲۰۰۰۰ نفره می داشتند. گرچه این ارتش هم بدون شک از لحاظ تعداد، آموزش نظامی و تسلیحات ضعیف تر از ارتش ۵۰۰۰۰ نفری بود که توسط امپریالیستها رهبری می شد، اما امکان مبارزه با ضدانقلاب، با این نیروی بزرگ بسیار بیشتر از مبارزه با آن توسط نیروی بسیار ضعیفی بود که کمیته انقلابی در جریان واقعی رویدادها در اختیار داشت.

البته منظور ما این نیست که این ارتش انقلابی ۲۰ تا ۲۵ هزار نفری تحت شرایطی که قیام کانتون در آن روی داد، می توانست مبارزه طولانی مدتی را علیه نیروهای ارتجاع انجام دهد. برتری دشمن فوق العاده بود. پیروزی نهایی این ۲۰ تا ۲۵ هزار نفر انقلابی غیرممکن بود (مگر اینکه: ۱) عناصر مصمم پرولتاریای کانتون از آنها حمایت فعال مسلحانه می کردند (به عبارت دیگر، اگر حزب قادر بود به آنها امکان شرکت در مبارزه فعال را بدهد)؛ ۲) دهقانان در مسیر نیروهای میلیتاریستی که از سراسر ایالت کوانگ تونگ به کانتون پیشروی می کردند، می توانستند - چه با شورش توده‌ای و چه با عملیات چریکی - لاقلاً بخشی از این نیروها را به خود مشغول کنند. و بالاخره لازم بود که حداقل نشانه‌هایی از نارضایی در درون ارتشهای میلیتاریستی به وجود آید. اگر این شرایط وجود داشت، قیام کانتون بمثابة یک اقدام عقب دار انقلاب چین در ۱۹۲۷ می توانست به عنوان نقطه عزیمتی برای یک طغیان جدید انقلابی به کار رود.

قیام کانتون به کارگران چین نشان داد که قیام مسلحانه تنها در صورتی پیروز می شود که دقیقاً تدارک دیده شده باشد، اشتباهات مهم نظامی یا سیاسی صورت نگرفته باشد و توده‌های پرولتاریا بطور کلی همراه با سربازان ارتشهای میلیتاریستی به عمل کشانده شده باشند.

«قیام کانتون درسی فراموش نشدنی برای کارگران چین است.»

کارگران قیام کانتون را به عنوان نمونه‌ای از قهرمانی عظیم کارگران چین می دانند. بگذار شورش بعدی در مقیاس وسیع کارگران و دهقانان که بر مبنای کاربرد درست و منسجم اصول لنینیسم سازمان یافته و از طرف پرولتاریای جهانی حمایت می شود، اکتبر پیروزمند چین باشد.»^{۱۲}

کمونیستهای انقلابی

<http://www.k-en.com>

info@k-en.com